

۱۰۰۱۸
۷ بر

حضرت آریانه خاتمه

مشموع و شمعدان

در پرده تافان اسیر
با کلاه زرد
لا ۴/۵۱

خبر است همه ای در سینه ای در سینه ای در سینه ای در سینه ای

نه کرده ایم تعظیم شعری را در این اندریم که لایحه ای آن

مشموع و شمعدان که در سینه ای در سینه ای

عاشق آرزویم در سینه ای در سینه ای در سینه ای

را که کجاست که در سینه ای در سینه ای

تعظیم اللهم

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زبانه ما»

Handwritten signature

✓ برادران

کتابت انجام شده، جدول کتاب فردا ارائه دادند و نظر آتیم

تأیید می شود در وقت آتیم فراموشی نباشد

۵۸/۴۹

الهدیه

المهر آید، ضمیمه کرد، مهر ۷۰
تغزیم ۶۵۰

به تامل اسیر افروزم گزیده بیدار
اگر تویی نظر آتیم شده با دست
این و مثل اظهار نظر آتیم

۵۸/۴۳

سیری در متن پیشنهادی قانون اساسی

در صدد بدین که بتفصیل درباره متن پیشنهادی قانون اساسی اظهار نظر کنیم علی‌الوجه عبارت بدینستند
بیم‌الذمیت خودم که من کمال سعی و طرح قانون تا در هیئت دگرگونی حاضر شده ام بر سر اینم که انچه
نظر بعضی ما به آن زمان محمل کنم.

اما نکته سنجیده باید یاد آور می‌شود، باشد که سرحد نهته، حقیقت آن که شاید این نگارها، و
آنچه بعد خواهد آمد در حکمت به اتفاق آرا و حق و دگرگونی است، چگونه؟ ولی من که در هیئت نه‌فروانی
با این گفته لاوتن شعر و، به نظر من، شکیم عارضی می‌گردد ام که «چپ ادهت که آدمی به کوچکتر از خود
نیاز دارد»، و در این حکمت دل‌سببیم که «دستی که در کفم، دست دیگری در کفم بگیرد».

گفته اول این است که نیشی قانون رقی حاضری خواهد بود نیشی اینها و لغات و بهریت براری
تفاوت بسیار دارد. عارضی قانون، خاصه قانون نیشی که ماده همه خوردن و نیشی قانون‌گذار نیشی
حاضر بود، با در صلیح و مانع باشند، نیشی نه کلمه ای بیشتر در کلمه ای کمتر که آنچه لازم است دیده باشند.

و در عین حال جمع و دست باشند که، اگر نه هیچ، بر هر کجاست که نیاز به تغییر پیدا کند. من قانون نیشی
کونی ما فرآنچه مربوط به مقام و حقوق سلطنت است، و در بعضی نواحی و سایر هم نیشی حوی هم برود
ما، چپ‌سازند و من آنرا است، یعنی نیشی حوی است. به نظر من از نیشی نیشی ما، فرود در نیشی

بجز اینها در باره نیشی عربی، به آنچه لادنه نیشی قانون است به اندازه کافی نزدیک است.
در طریقی که از قانون نیشی با نیشی شده ^{آمنه} ان صفت، یا هر، مطلقاً مورد عتاب نیشی
است که به این امر بسیار عروسی توجه گردد.

گفته بودم بر طبق عقول آزادی که اظهار دلبستگی مطهر آنجا در جمله عقول بشری آزادی خرد نظریات
عقل در قافله‌های جدید گنجانده گردد.

دوستان عزیزان معترضه بطبیعی رای آدمی قانون کی یا علم از حد است در وضع کنونی با طرف یک اکثریت
مذهبی حرف است که ما کلمه یافت هیچ خود را از دیگران ، با تصور منصفیت معنی های خود در مصداق آن
از سایر مسلمانان ، ساکوت و نه (مادی نموده بقیه مردمی را بجز خود را در نظر نگه دارد و دیگران
مسلمان و دیگران).

در مقام بهم سپردن هم در این غرضیم یاد آور شوم که چه درستی عزیزان در باره آن سوال به عقاید است
چیزی یا گروهی ایرانیان غیر مسلمان به هیچ روی صانع آن نیستند و این خطرات است ، بقدر آنچه خطرات است
نبودن در کارهای و در شان از روح مسلمانان است که در بحبوبات با برهنه شدن است . معایب است ایران که
اکثریت قاطع آن مسلمان است بر طبق موازات ^{قوانین} اصول اسلامی و اصول دیگران خطرات کوشیم در این جهت
و در دو دارندگان عقاید مختلف خطری ایجاد نمی کنند بر طبق آن که آنان را در الهام عقیده و مسکن در
اینست عرب و تالش های فرستادن نموده به معنی های خاندان گذار و در نهایتی مختلف آزاد گذاریم ، در
بسیاری در کرده و وقت کم است بهت و عقلی قوی است اما چون اکثریت مردم کلمی می کند و جوانی
نقش بر یک خطرات را با کار با الفای می نماید . برای معنوی غیر مسلمان تر همین حکم جاری است . اما اگر
صو آزادی عقیده و دینی گرفته شود کار بناچار به برزخین است و در عقلی که بلیا و عقیده به نشان
کردن عقاید بیدار شود . این است خطره .

اینکه در اصل در این طرحی که است رایانه بر طبق است که نام دیگران محسوسه را با همکار
نباشند مخالف اصل آزادی عقیده و اصل آزادی مسلمانان است ، هم برای آن است که
نمی تواند به بر سر نخواهد های دهه نیم برای آن است شده که نمی تواند از آزادی عقیده برخوردار باشد

شرط داشتن منقبات بسیاری می باشد که تیر اندک به طرز شکی نیست ، زیرا که با این منقبات که سال عدل
ایمان بگیرد (۱) یا عمل های صالحانه استوارت بسیاری را موجب کند مردم به آن رای دهند .

اما نکته سوم مربوط به اصل و اوست در بابی که در این کتاب آمده است که در این کتاب در مورد او
در راه آن قدم برداشته (در این اصل کلمات مهمی « واصلیه » ای شانه شده که « دولت و طیف
دارد و سایر اجزای این تکلیف ملی را در سر هر کوزه فراهم آورد .

ایمانی که به نظرم طاعت اول است که با تکریر نیویس در مورد دولت بسیاری از اعمال حکومت گذشته ،
کصوف و طبع آزادی و نظم و تقوی به تصحیح ملی دست اندازهای خوبی ، گمان می کنم در این کتاب که کارهای مثبت آن
سده نفی شود ، یا در آن عهد که در اینجا مورد بحث است مربوط به سده های دوازدهم و سده سیزدهم
آه دانی و صفات بسیاری در آن است که در راه حکمت به صفت گامهایی مثبت بردارد و نقطه به در به ربع بعضی
آنها هست که است نه به نفی خود آنها . اصل « منکر که گفت ، منکر که حرکت » نادر به طایفه کسان
گذشته شد . بجز در به اصل سخن . وقتی که در حکومت گذشته ، با همه نامردمی که داشت ، کفایت با ایمانی
دولت رفاه می ، یعنی یک نود هفت ساله ، « تکلیف محم » که در این کتاب است که در حکومت مردمی

جمهوری اسلامی « تکلیف » است ساله به « واصلیه » مع سالیه تکرار کند .

در گمان که ساله قانون اساسی مردم در عین است . و در این باره حق تعالی در کتاب خود فرموده
ایمان نباشد . بعد از آن کتاب گمان مادی و مضمونی است ، مثل بسیاری در کوزه های سیزدهم ، آن را
تا حد تکلیف بالا می آید .

ایمان هم نصی است نسبت به همین امر در قانون اساسی کوفی . در اصل نوزدهم هم قانون اساسی است
نصفه سالی ساله می شود که « تأسیس ملاک به محتاج دینی و ملی و فصل چهارم در این کتاب است
دولت عموم و سایر تعریف است . در این کتاب می شود که در این حد است مخصوص و لغت تکلیف را حتی برای مردمی

ملی (غیر صحتی) معنی کرده است. در این باره در طول این مجله دو صد سال نشأ صحت زیاد به آموزش و پرورش
 صارت ایرانی شده اند و معنی از آنها در سطحی بوده اند و گفته اند که «برینده حقیقت کافی نیست، موجب غلبه
 بسیاری از افراد شده و باره که به ناری آنها گفته اند» هر بار با توجه به کسانی که با جمع صافه
 توفیق کامل حاصل کرده اند. با آنکه تقسیم ملک گفته در ۱۳۳۱ به بعد بود که تقسیم به حصول مدرسی این
 مدارس شده و اینها، حال آنکه کثرت و بیروت دولت جمهوری در این میان است و این نیز بر روی موعود
 کرد، کار استوار بود که می توانست مردم را یکباره به هیچ یک برده همه جهاد را بیاورد به هم می سازد، لکن
 گونه تمسید معتمد کردن در کار زمان در میانها در اینجا و آنجا به طاعت آمیزه و قدر دولت می کشید
 و به قول بنده گفته اند زود کردن جوانان را بود که می بایست لکن بودنی خوانده می باشد
 و جوانان اکثر، شایسته «مردم را باید تعلیم شود» و «که کرده گذشته» و «تدریس کرده با این همه» و سایر
 با این تقسیم، که هیچگاه به آن عمل نکنند.

۱۰۰۰ گشته از این که در طرح قانون اساسی این حق، یعنی حق همگامی در رابطه با تقسیم و تربیت، برای
 مردم مشاهده شده است می شنوم و می دانم که دولت آموزش و پرورش دولت جمهوری اسلامی است به طوری که
 است که، در تمام به عقل من و در صورت دور در تصمیمات صحنه ایرانی معتمد است.

در این باره به دلائل متعدد و مورد های معتمد بوده اند در این باره نیز، اگر دولت بگذارد، خواهند کرد.
 در مجموع:

- ✓ (۱) دولت در راه تأسیس هر یک از آموزش و پرورش، یعنی «در رابطه»، برای همه فرزندان ایران عزیزان آنقدر
 کار دارد که تا آنکه نماندنی نماند در این باره تنوع کیفیت موجب تنوع استعداد است. اما تنوع استعداد و مهارت
 حاصله به آنجا که از جهاد معتمد خود اجاب می کند که مدارس بتوانند به هر فرد ایرانی از جهت استعداد و
 خضاک استعدادی بپردازند. مدارس ملی در این جهت لکن کمتر مایه دستگاه تقسیم تربیت مشاهده بود.

✓ (۲) درجه‌های که گرایش به آن دارد که از هر خود برده و به وسیله او کسی میسر است استفاده کند ، و آن درجه کار دارد که از یک جهت وسیع در خود به نیاز نیست . اما همان‌طور که در راه انبساط قدرت به کار می‌آید از جهت باز داشتن .

✓ (۳) در یک حالتی که افراد حق دارند آنچه را از راه دست (این فرض را می‌پذیریم که فرضی کسی نخواهد صورت و تحوّل قدرت در راه تا شرح اول و اول است آورد) کسب کنند مطابق میل خود در راه مشروع (این فرض را هم قبول می‌کنیم که کسی در هر کجای خود در راه تا مشروع نیفتد . البته که این برود فرضی فرضی محال نباشد) فرض کنیم چگونه گرایش افراد را از طرف مال در راه تربیت فرزند باز داشت به قدرت که حق ندارد خود را قلم رومی افراد در جهت فرزندشان بگذرد . در حالی که این فرض مسلم است که هر فردی که در راه گرفته شود عقیده است دست باز خواهد بود که بوی راهی خواهد در راهی فحش کند که مردم خود را در راه آن می‌شنود به انجم کاری بزنند که مورد عدالت است پس آن‌ها

✓ (۴) در دینی که امر به معروف و نهی از منکر در آن مورد تأکید است قدرت در راه انبساط تربیت مسکونی قابل نیست بلکه محدودی قابل ستایش و در حد تأیید می‌آید

در اینجا باید به ترتیب کرد که در مقابل ده که نیز از خانواده که فرزند از خود را با تربیت به در این می‌کنند محدودی افراد خود دارند که ، به قول آن حرکت دینی ، همی در راه این تلاش می‌کنند

سبب چیست؟

تربیتی نیست که مخالفان تلاش می‌کنند تا از خانواده دینی نیستند که فرزند از خود را برای تلاش می‌کنند در نتیجه با این تلاش آشنا می‌شوند . مخالفان «دینی از خود برآوردند» . تا آنجا که کسی تجربه لازم ، اینان را که در نگاه اول به تلاش شکرگزارند بلکه در نگاه اول به آنها می‌نگرند . وجود محدودی «فیلد استرک» ، یعنی به تربیت ، رانندگی می‌کنیم که ضایع است برای همه اینها نوع هستند و وجود تلاش می‌را به تربیت «مهم است»

در میزان تعلیم درایت تصویر می کنند . به مثال زیاد این است که اندک آن از این گفته می شود ، یا بعد از آن
می کنند ، که عدالت آن است که هر کس به اندازه استیفاء خود تعلیم شود ، پس بطریق اولی به اندازه استعداد خود

آموزش دیدنش همه شده است پس در حکم عدالت در تعلیم و عقل سلیم درایت ندرت است با .

با کرم به سبب اول ، یعنی توجه به سانه مادی و به توفیق به حاصل معنوی . چنانچه ^{مادی} ~~معنوی~~ ^{مادی} ~~معنوی~~

و در سرت است و همانا حاشا نباید کرد که بین کودکان دروسی معنی تعلیمی گزین به لطف در آمد

بیشتر و سود زیادتر وجود دارد تا به راهی اندک که در اسلامی ، سوداگری فوق است . زیرا که هر چه

در این باب است که ، الکاتب ^{معیاری} است . این مجربیت را باید به کمال رساند و در کار آن مانند ارزانی

دست و صفت از راه تعلیم درایت را از آن گونه که جدا کرد .

دلی که در گذشته سال گذشته باره و باره به دریا که آموزش دیدنی ، و در کسب و کاری که می

موضوع تعلیم است ، همیشه با کرم که پذیرفته است (شاید به دلیل آن که نور خالص بیشتر بود)

و حال آنکه در کرم (به جهت آن که گوشه نشین و در مصلحت است) و آن است که به سبب مادی

سودی که نباید در اندک آن دروسی می شود به نفعی که عمل حکم می کند و مصلحت می پذیرد که در هر دو جانب

و کتاب و تفسیر هم در میان باشد (اگر در این باره کاری شود به صورت صورت های کتاب که در راه

آموزش) . در حق کسب بر مردم از طرف این است که در آن درسی معنی شود و به نظارت این طرح

شود . چون کسی نمی خواهد در این مظهر با به بهره گیری از زیاد در آمد به صورت گوشه نشین خود

چون به در این باره با این کار می تواند به خوبی کرده و راه گوی دیگر است .

در این روش دولت ، وقت کافی متبع سلح در این وسیله طلب در این باره با به صورت تا به حد

می رسد که نیز خوب استمان تا می گردد . در آن صورت اگر کسی به نفع می آید که در هر دو

کار را خواهد بود

راه صفت ما با کرم (از این روش) و راه سودناوارا بنده (یعنی روش) .